



گفت و گو از:
محمدحسین دیزجی

نمای نزدیک: سید امیر حسینی

اشاره

ما به همان اندازه از فردای کودکان امروز خیر داریم که بچه های دیروز منطقه امامیه خیابان دماوند و دبستان دلگشای محله سرآسیاب دولا ب از آینده بچه محل ۵۰-۴۰ سال قبل خود اطلاع داشتند. چه کسی می دانست آن که دهم تیر ۱۳۳۳ در پایتخت به دنیا آمد و کودکی را در محله های امامیه تهران نو بروجردی، وحیدیه و میدان تسلیحات پشت سر گذاشت روزی در پهنه ورزشی کشور به فردی تأثیرگذار تبدیل می شود.

چه کسی خبر داشت آن که سال های دبیرستان را در مدارس بابکان و علمیه سپری کرد و بعدها لیسانس تربیت بدنی و علوم ورزشی گرفت و باعث و بانی شکل گیری انجمن های مختلف علمی، هنری و ورزشی در مدرسه عالی ورزش شد، روزگاری ورزش تاریخی و کهن این مرز و بوم را به جهانیان معرفی کند. با معلمی ورزش در مدرسه ها شروع کرد. مسئولیت های مختلفی همچون معاونت، مدیرکلی تربیت بدنی در وزارت آموزش و پرورش و امثال آن را در عرصه ورزش کشور برعهده گرفت و پله پله تا دبیرکلی و نایب رئیسی کمیته ملی المپیک بالا آمد.

او که امروز مسئولیت آکادمی المپیک و پارالمپیک کشور و دبیرکلی فدراسیون بین المللی ورزش های زورخانه ای را برعهده دارد، هنوز همان معلم دلسوز ورزش ایران عزیز است.

سید امیر حسینی دلش برای بچه های این مرز و بوم می تپد. گرچه دفتر کارش در بهترین مجموعه ورزشی کشور قرار دارد اما هنوز روحش در زمین های خاکی جنوب شهر پرواز می کند.

پس دور از انتظار است که بخواهیم در یک مصاحبه کوتاه معرف تلاش هایش در عرصه ورزشی کشور باشیم.

این گفت و گو یک گپ دوستانه در حوزه ورزش و تربیت بدنی کودکان و نوجوانان بیش نیست. پس با هم می خوانیم.

آموزش مرکز توسعه صادرات را با حمایت دوستانم در نمایشگاه بین المللی ایجاد کردم، فرصت مناسبی برای اجرای آرمان هایم در ورزش به وجود آمد تا به جای دو ساعت درس ورزش، شش ساعت زنگ ورزش در هفته داشته باشیم که نتایج بسیار مثبتی را به دنبال داشت. من معتقدم تربیت باید از طریق فعالیت های ورزشی صورت بگیرد. در دوران دبیرستان های بابکان و علمیه فعالیت ورزشی زیاد نبود. در دبیرستان بیشتر والیبال و فوتبال بازی می کردیم. بیرون از مدرسه هم یک تیم محلی به نام آذرخش داشتیم.

● در آن دوران معلمان ورزشی آدم های دوره دیده بودند یا اینکه اتفاقی با بچه ها ورزش می کردند؟

○ قبل از انقلاب معلمان ورزشی دو دسته بودند. یک عده فارغ التحصیلان دانشسرای مقدماتی بودند و دوره معلمی دیده

● در دوران تحصیل شما ورزش در مدرسه ها چه اوضاع و احوالی داشت؟

○ آن زمان در دبستانی که من درس می خواندم دبستان دلگشا با یک سری لوازم مثل تاب، الاکلنگ در باغچه مدرسه وجود داشت که بچه ها با آن سرگرم می شدند. یک ستون هم طبقات اول و دوم مدرسه را به هم متصل می کرد که گاهی دستمایه بازی بچه ها بود. هر بار که از آن بالا و پایین می رفتیم، چوب و ترکه انتظارمان را می کشید. چند تایی هم زمین خاکی فوتبال در اطراف هر محله وجود داشت که بچه ها بازی می کردند. در آن روزگار بچه ها موظف بودند دو ساعت ورزش کنند و وجود همان زمین های خالی باعث شده بود کودکان و نوجوانان جایی برای فعالیت داشته باشند و افراد مثل امروز دچار فقر حرکتی نبودند. من از همان دوران برای ورزش اهمیت خاصی قائل بودم. وقتی در سال ۱۳۷۲ مشاور مرکز توسعه صادرات شدم و مجتمع



فردای ورزش ما، در امروز مدرسه است

● چه طور شد در دانشگاه هم سراغ رشته‌های ورزشی و تربیت بدنی رفتید؟

○ در دبیرستان یک تیم محلی به نام آذرخش داشتیم که خیلی فعال بود. یکی از هم‌تیم‌های آن روز ما که بعدها مدیر کل فنی و حرفه‌ای شد (مرحوم حاج اسداله مدی) از من در مورد دانشگاه و ادامه تحصیل پرسید. من رشته علوم ارتباطات رادر نظر داشتم، اما به پیشنهاد ایشان مدرسه عالی ورزشی رفتم. ما دانشجویان دوره دوم آن مدرسه بودیم. بسیاری از مدیران ورزشی، فارغ‌التحصیل آنجا هستند. وقتی در بازی‌های آسیایی ۱۹۷۴ تهران، ایران میزبان بود، من بعد از گذراندن یک دوره آموزشی به عنوان داور درجه ۲ دو و میدانی انتخاب و در آن برنامه حضور داشتم. بعدها پس از سربازی به خاطر تعهد به آموزش و پرورش به استخدام این مجموعه درآمدم. مدتی معاون و مدیر کل تربیت بدنی وزارت آموزش و پرورش شدم. آن زمان فرصت ادامه تحصیل در دانشگاه تربیت مدرس و خارج از کشور برایم فراهم شد، اما ترجیح دادم کار اجرایی انجام بدهم. در شروع کار مدیریت دولتی با جمعی از دوستان همفکر و همکار خدمت زنده‌یاد مرحوم دکتر حسین بنائی رسیدیم و از ایشان راهنمایی خواستیم. مرحوم دکتر بنائی که استاد ما بودند به من گفتند تربیت بدنی چهار رکن دارد. نیروی انسانی، برنامه، ارزشیابی و وسایل و تجهیزات چهار رکن اصلی بود که من هم استراتژی کارم را بر آن بنا کردم. در زمان مسئولیت من، شاید

و قدری هم با ورزش آشنا و کار می‌کردند. گروهی هم بعد از دیپلم وارد دانشسرای عالی می‌شدند و بعد پا به عرصه ورزش می‌گذاشتند و بعد از گذراندن ۲۴۰ ساعت دوره، وارد کار می‌شدند. این افراد اگر علاقه داشتند دوره‌های داوری و مربی‌گری را هم پشت سر می‌گذاشتند.

● در آن روزگار دیدگاه دانش‌آموزان نسبت به درس ورزش چگونه بود؟ آیا به ورزش علاقه‌مند بودند؟

○ بچه‌ها خیلی علاقه‌مند بودند. اما درس ورزش جزو دروس جدی و هفتگی مدارس نبود. نظام آموزشی آن موقع یک نظام تقویت محفوظات درسی بود تا اینکه به تقویت عملی و علمی پردازد.

متأسفانه هنوز هم این رویه جاری است و فکر می‌کنند با محفوظات درسی بهتر می‌توان بچه‌ها را تربیت کرد. در کشورهای پیشرفته به این نتیجه رسیده‌اند که تربیت پیشرو همان تربیت عملی است. ما بسیاری از دانستنی‌هایی را که خوانده‌ایم شاید امروز در ذهن نداشته باشیم. اما یک رفتار مؤثری را که من از آقای پرویز دهداری به عنوان یک مربی در دیدار با تیم محلی مان دیده‌ام هرگز از یادم نمی‌رود. به همین دلیل میدان ورزشی می‌تواند بهترین محیط برای تعلیم و تربیت و رشد شخصیت فردی و اجتماعی افراد محسوب شود.

فراوانی وجود دارد تا انسان بتواند آزمایش و خطا کند.

● در روزگاری که به عنوان معلم ورزش خدمت می کردید به چه نکات و عناصری در حوزه ورزش دانش آموزان عنایت بیشتری داشتید؟

○ من دو سال پیش از انقلاب معلم ورزش بودم. تلاش می کردم بازی های دبستانی را رونق دهم و تیم های کلاسی درست کنم. فضای کافی در اختیارمان نبود اما مدیر مدرسه علاقه مند بود و حمایت می کرد. در مدرسه دفتر و گروه ورزشی داشتیم. حتی خود عوامل مدرسه هم یک تیم والیبال داشتند. همه سعی مان بر آن بود که عوامل مدرسه را به ورزش علاقه مند کنم. این ابراز علاقه یک صمیمیت خاصی میان ما ایجاد کرده بود. حتی در ساعاتی که امکان ورزش نداشتیم برای بچه ها کتاب های خوب و مناسب می خواندم، حتی مسابقه قصه نویسی برای بچه ها داشتیم.

● یک معلم ورزش چطور می تواند در ذهن دانش آموزان تأثیر گذار باشد و آنان را از نظر جسمی، روحی و ورزشی پرورش دهد؟

○ صمیمیت اولین عنصری است که زمینه موفقیت مربی را فراهم می کند. در مرتبه دوم یک مربی پایه باید دارای دانش و آگاهی لازم باشد. اگر یک مربی آگاه به مسائل تخصصی ورزش محبت را هم ضمیمه کارش کند توفیق افزون تر است. اگر مربی خودش شیفته و علاقه مند به کارش باشد قطعاً آموزش و پرورش او تأثیر گذارتر است البته از جدیت و انضباط مربی هم نباید چشم پوشی کرد.

● این مسائل و نکاتی که به آن اشاره کردید، شاهدش هم بودید؟

○ من جدیت و نظم را در وجود آقای پرویز دهداری دیده بودم. یادم هست وقتی آقای داوود میرطوسی بازیکن مطرح فوتبال آن دوران با پوشش لباسی که عرف آن دوران نبود پا به امجدیه گذاشت آقای دهداری او را از زمین برگرداند و به وی تذکر داد.

● خود شما اغلب چه نکاتی را به افراد یادآوری می کردید؟

○ برای من نظم و انضباط مهم بود سعی می کردم امکانات، وسایل و برنامه درستی داشته باشم. همواره مراقب بودم با اطلاعات کافی پایه میدان کار بگذارم. زمانی که مربی تیم محلی خودمان بودم و به تمرینات سر می زدم دنبال یاد گرفتن الگوی صحیح تمرین بودم. زیرا تنوع تمرین خیلی به مربی و اعضاء

بیش از ۹۰ درصد مربی های ورزشی، در سطح دیپلم بودند. آن زمان برای تربیت نیروی انسانی مراکز تربیت معلم راه اندازی کردیم. از نظر امکانات در مضیقه بودیم، وقتی مدیر شدم سعی کردم امکانات را بیشتر کنم. ما برای راه اندازی این مراکز نیاز به زمین داشتیم. خاطرم هست با آقای حاج محمد شاه حسینی با موتور سیکلت مناطق مختلف شهر را زیر پا می گذاشتیم تا جای مناسبی پیدا کنیم. مرکز تربیت معلم نسیمیه در شمال غربی تهران را از همین طریق پیدا کردیم و با کمک حاجت اله خطیب مدیر کل وقت تربیت بدنی استان تهران ابتدا زمین مناسب را فراهم کردیم و بعد آن مرکز را طراحی و راه اندازی کردیم. بنا داشتیم این مرکز را تبدیل به جایی کنیم نمونه که ابتدا بتواند به کشورهای اسلامی خدمات بدهد. به همین جهت خوابگاه، کتابخانه، استخر و سایر امکانات را برای آن طراحی کردیم. مرکز تربیت معلم چمران را با یازده هکتار زمین به همین ترتیب گرفتیم. در اصفهان هم یک مرکز راه اندازی کردیم که بعدها تعطیل شد. الان دو مرکز نسیمیه و شهید چمران به کار خود ادامه می دهند. یکی از مشکلات آن روز ما کمبود فضا برای اردوها بود. به همین خاطر مجموعه ورزشی شهید چمران را در رامسر راه اندازی کردیم که بعدها توسط دوستان دیگر تکمیل شد.

● چرا به سمت ورزش گرایش پیدا کردید؟ در حالی که می توانستید به سراغ کارهای دیگری بروید؟

○ در دوران نوجوانی من، فضای محله ها طوری بود که تیم های محلی از رونق خوبی برخوردار بودند، من از همان دوران به ورزش علاقه پیدا کردم. یادم هست یک بار دایی من بازی و ورزش کردن مرا از نزدیک دیده بود و به مادرم گفته بود فلانی خیلی خوب بچه ها را سازماندهی و هدایت می کند. اتفاقاً من آن روز کاپیتان تیم بودم. من از اول به ورزش علاقه مند بودم. شاید نتوانستم از اول در ورزش به صورت حرفه ای پیش بروم، اما در حیطه مدیریت و رهبری بیشتر خدمت کردم. من از دوران دانشجویی هم به صورت حق التدریس درس می دادم. یادم هست وقتی هوا خیلی سرد بود و نمی توانستم با بچه ها در محیط باز ورزش کنیم، برای دانش آموزانم کتاب های کودک و نوجوان می خواندم و آن ها را با قصه های پهلوانان آشنا می کردم. اولین نمایشگاه کتاب کودک و نوجوان را به یاری دوستان در منطقه ۸ تهران (وحیدیه) برپا کردیم.

● بعضی ها به ورزش یک نگاه تفننی دارند. حال آن که دیدگاه شما از روی عشق و علاقه است.

○ ورزش یک نیاز برای انسان است. در ورزش فرصت های

تیم کمک می کند.

● اگر پیشرفت ورزشی کشورمان را بخواهیم، باید امروز به کودکان و نوجوانان خود بها بدهیم. امروز ما نتیجه توجه بزرگان دیروز ما است. شما به این ماجرا چگونه می نگرید؟

○ نوع نگرش مدیران ما به ورزش به مراتب مثبت تر از گذشته هاست. پیش از انقلاب رسانه ها بسیار محدود بودند. بعد از انقلاب هم یک سری از دست اندرکاران امور آموزشی و فرهنگی با امر ورزش بیگانه بودند. خاطرم هست آن اوایل ما به همراه یک سری از دوستان خدمت علما رفتیم و خواستار دیدگاه ها و نگاه آنان به حوزه ورزش و تربیت بدنی شدیم. همه اتفاق نظر داشتند که اسلام با ورزش موافق است. اما آن زمان نگرش حاکم بر جامعه این تفکر را اجرائی نمی کرد. آموزش و پرورش به ورزش به عنوان یک مقوله ای جدی می نگریست. الان دست اندرکاران تعلیم و تربیت نگاه مثبتی به ورزش دارند. چندی قبل من در یک کنفرانس در کشور لهستان شرکت داشتم که موضوع آن ورزش برای همه بود. آن ها اعتقاد داشتند ورزش برای بچه ها در مدارس پایه باید حداقل ۶ ساعت در هفته باشد. ارزیابی آنان نشان داده بود که چه قدر توانسته اند با این حجم ساعت ورزشی به توسعه سلامتی مردم کشورشان کمک کنند. در کشور فرانسه نیز ورزش در مدارس ۶ ساعت است. این در حالی است که ما هنوز حدود ۲ ساعت ورزش در ایران داریم.

● فکر می کنید باید چکار کنیم تا دیدگاه دست اندرکاران ورزش کشور به ویژه ورزش مدارس را تغییر دهیم تا آنان هم به ورزش دانش آموزان بیشتر اهمیت دهند؟

○ نوع نگرش کلی نسبت به ورزش خیلی مثبت تر از گذشته شده است. یک سری منابع هم به ورزش داده می شود اما قبول دارم که دادن یارانه به ورزش در مقایسه با قند و شکر و انرژی به مراتب کمتر و پایین تر است. بخشی از مشکلات ورزش کشور ما به نظام شهرسازی مرتبط است. متأسفانه نظام مهندسی کشور ما بیمار است. هنوز آدم های بساز و بفروش و زمین خواران روی شکل دهی محله های ما اثرگذار هستند. یعنی در سیستم شهرسازی مدرن نگاه به ورزش خیلی نازل است. به طور مثال در شهرک پردیس واقع در شرق تهران، میزان فضای مدارس بسیار کوچک است، برای آنان جایی به عنوان ورزشگاه محلی دیده نشده است. یعنی هنوز مدرسه های ما را در حد کلاس می بینند. نظام شهرسازی و مهندسی ما مشکل دارد. ما هنوز عادت داریم به جای پیشگیری سراغ درمان برویم. ورزش یک

عامل مهم در توسعه پایدار است. سازمان ملل هم تأکید دارد که ورزش یک حق عمومی است و همه باید به آن بپردازند. سیستم های شهرسازی ما باید به گونه ای باشد که امکان حرکت برای گروه های سنی مختلف مهیا باشد. نظام محله ای ما هم مشکل دارد. امروز وقتی مسجدی می سازیم باید به فکر آن باشیم که در کنارش امکانات ورزشی، هنری و کتابخانه مهیا شود. اگر می خواهیم در ورزش به جایی برسیم باید نوع نگرش شهرداری ها و شهرسازی کشور را دگرگون کنیم. چون فعالیت های حرکتی مردم ما بسیار کم است. این همه مشکل داریم. وجود این همه بیماران قلبی و عروقی ریشه در کاهش حرکات فیزیکی افراد دارد.

● آیا همه موانع و مشکلات ورزش کشور ما منحصر در شهرسازی است یا موانع دیگری هم از نگاه شما وجود دارد؟

○ یک سری از موانع سخت افزاری و تعدادی هم نرم افزاری است. سازمان تجهیز و نوسازی مدارس خیلی می تواند به این موضوع کمک کند. وقتی مدرسه ای می سازند باید به فکر ورزش آن هم باشند. در شهر بناب که به شهر دو چرخه معروف است یک مجتمع و سالن گران قیمت می سازند که الان ۱۵ سال است به نتیجه نرسیده و هنوز کار ساخت ادامه دارد در حالی که می توانستند با آن پول کنار هر مدرسه یک سالن ژیمناستیک کوچک یا یک زورخانه مناسب بسازند تا استفاده های چند منظوره داشته باشد. با همین سالن های ورزشی است که می توان بسیاری از مشکلات حرکتی را از میان برد. باید این نوع نیازها را در کنار امکانات آموزشی ببینند. اخیراً خیلی جاها ساخته شده است اما کافی نیست. من به تازگی از یک مدرسه در کاشان بازدید کرده ام که یک خیر مدرسه ساز بنام آقای کتابچی آن را بنا کرده است. ایشان در کنار مدرسه یک سالن خیلی بزرگ و مجهز بنا کرده که حتی می توان بازی های بین المللی را در آنجا به اجرا گذاشت. باید این نوع نگرش ها را تقویت کرد. باید به خیرین گفت به همان اندازه که به آموزش بچه ها اهمیت می دهید به پرورش تن آنان نیز اعتنا کنید. حداقل در کنار هر چند مدرسه یک فضای ورزشی برای بچه ها ایجاد کنید تا از آن استفاده کنند. یکی دیگر از مشکلات ما مربوط به طولانی بودن ساخت و سازهای ورزشی است. برای ساختن یک سالن ده تا ۱۵ سال زمان گذاشته اند. تربیت نیروی انسانی مؤثر برای این کار هم خودش یک معضل است. البته در این زمینه کارهای خوبی بعد از انقلاب صورت گرفت. بسیاری از معلمان ورزش از دیپلم به مدارج بالاتر راه یافتند و در همین مراکز تربیت معلم افراد خوبی تربیت شدند. اما باید به ورزش مدارس به ویژه مقطع

بدهند. اگر به این نیاز جامعه توجه کافی نشود، خسارت‌های جبران‌ناپذیری در آینده به ما خواهد خورد.

برای حل این معضلات معتقدم باید نگاه محله‌ای به ورزش داشته باشیم. یعنی در هر محله باید یک مکان ورزشی مناسب برای دختران و پسران وجود داشته باشد. یک مکان ورزشی باید ظرف ۷ یا ۸ ماه آماده شود نه این که ساختن یک سالن ۸ تا ۱۴ سال طول بکشد.

● اگر بخواهیم فردا در حوزه ورزشی قهرمانی حرفی برای گفتن داشته باشیم باید به دانش آموزان امروز کشورمان توجه کنیم فکر می‌کنید در این حوزه چه باید کرد؟

○ ورزش قهرمانی محصول کار و تلاش یک مجموعه افراد و گروه‌های مختلف است.

● فکر می‌کنید آموزش و پرورش در حوزه پرورش قهرمانان فردای کشور چه جایگاهی دارد؟

○ مأموریت اصلی آموزش و پرورش تعلیم و تربیت است و ورزش به عنوان یک ابزار تربیتی برای ارتقاء شخصیت فردی و اجتماعی ضرورت پیدا می‌کند. ورزش قهرمانی بخش مهمی از این طرح به شمار می‌رود. ورزش قهرمانی ایجاد انگیزه کرده و جامعه را به شوق می‌آورد، اما این مأموریت اصلی به آموزش و پرورش واگذار نشده است. ورزش قهرمانی یک ساختار و یک نظام ویژه‌ای را می‌طلبد که از استعدادیابی آغاز می‌شود و سپس با پرورش استعداد ادامه پیدا می‌کند. این کار می‌تواند با همکاری آموزش و پرورش صورت بگیرد. اما این مأموریت اصلی آموزش و پرورش نیست. آموزش و پرورش یک منبع برای ورزش قهرمانی به شمار می‌آید. در واقع بذری می‌باشند و دیگران باید از آن میان انتخاب کرده و آن را پرورش دهند.

● اگر فضای آموزش و پرورش برای این کار مناسب نباشد آیا می‌توان باز هم به انتخاب افراد مستعد برای ورزش قهرمانی امیدوار بود؟

○ در جهان سیستم استعدادیابی متفاوت است. تا پیش از اتحاد دو آلمان و فروپاشی سیستم شوروی سابق، چیزی به اسم نظام استعدادیابی اروپای شرقی را داشتیم که از ابتدا دانش آموزان انتخاب می‌شدند و در مدارس ویژه‌ای کنار درس اصلی به فعالیت‌های ورزشی می‌پرداختند. ما چنین سیستمی را در آموزش و پرورش خود نداریم. در نظام استعدادیابی سیستم آزاد هم وجود دارد که در امریکا و بخشی از اروپای غربی دنبال می‌شد. در این سیستم پدر و مادر نقش اصلی را در کشف

دبستان و پیش دبستانی بیش از این بها بدهیم. قبل از انقلاب فقط یک رشته بازی‌های دبستانی داشتیم، اما در سال ۶۲ اولین دوره مسابقات آموزشگاه‌های کشور را شکل دادیم. در حوزه ورزش نونهالان مثل آمادگی جسمانی، هندبال، والیبال، بسکتبال و نظایر آن حرکت‌هایی صورت گرفت اما کافی نیست. سرانه ورزش مدارس ما ناچیز است. ورزش نونهالان نیازمند فضای کافی برای امکانات ورزشی است.

● آیا نمی‌توان از سالن‌های ورزشی و ورزشگاه‌های سطح شهر به صورت بهینه استفاده کرد تا دانش آموزان هم از این فضاها بهره‌مند شوند؟

○ من در مورد وضعیت فعلی ارزیابی دقیقی ندارم. اما در زمانی که مسئولیت داشتم طرح‌های متعددی اجرا شد. یکی از طرح‌ها، طرح یکپارچگی ورزش بود که در دوران حاج آقا مصطفی داوودی شکل گرفت. آن زمان قرار شد که تمام امکانات تربیت بدنی در اختیار آموزش و پرورش قرار بگیرد. این طرح یک یا دو سال اجرا شد و بعد به خاطر مشکلات اجرایی رها شد. با تغییر مدیران سازمان تربیت بدنی، بسیاری از سیاست‌های تربیت بدنی تغییر پیدا کرد. سیاست‌ها بیشتر تابع نگرش‌های مقطعی بود تا این که نگرش‌ها نسبت به ورزش مدارس دراز مدت باشد.

● دختران در مقایسه با پسران از نظر بهره‌مندی از امکانات ورزشی محروم‌تر هستند شاید پسران در کوچه و خیابان سراغ توپ بازی بروند، اما برای دختران چنین امکانی کمتر است با شرایط فعلی چه کاری می‌توان برای دختران کرد؟

○ وقتی در ستاد تربیت بدنی آموزش و پرورش مسئولیت داشتم یک طرح پژوهشی را دنبال می‌کردیم که نشان می‌داد قابلیت‌های جسمانی دختران دانش آموز متناسب با سن و سال آن‌ها رشد پیدا نمی‌کند. آن موقع این موضوع را دوستانمان به هیأت دولت ارایه دادند تا توجهی به آن داشته باشند. خاطریم هست که آن زمان تصویب شد که مدیرکل تربیت بدنی به این موضوع به صورت جدی‌تر بپردازد. تلاش شد تا در این زمینه فرهنگ‌سازی شود و مسابقات مختلفی را برگزار کنند. اما کافی نبود، وزیر آموزش و پرورش باید به این موضوع به صورت جدی فکر کند. یادمان باشد که دختران امروز مادران نسل فردا هستند. سلامت، بهداشت و شادابی نسل فردا در گرو توجه به دختران امروز است. شاید الان نگرش‌ها مثبت شده باشد و حتی خانواده‌ها به ورزش دختران اهمیت بدهند، اما باید در شهرها امکاناتی فراهم شود که به ورزش دختران بیشتر بها



۲۰,۰۰۰ نفر برگزار کردیم. امیدوارم این قدم‌ها افق‌های روشنی را فراروی جوانان ما ایجاد کرده باشد.

● در شرایط فعلی و با امکانات موجود مهم‌ترین وظیفه یک معلم ورزش در ارتباط با تعلیم و تربیت بچه‌ها چیست؟
○ خلاقیت و استعداد مری یکی از ابزارها و امکانات موجود به‌شمار می‌رود. یک مری هرگز نباید، به امید این باشد که تمام امکانات برایش فراهم شود و بعد کار را آغاز کند. یک هنرمند بزرگ می‌تواند با یک تکه گچ یا یک مداد هم خالق بهترین و برترین آثار باشد. آن‌چه یک مری را به موفقیت می‌رساند خلاقیت اوست. یک مری برای خلاق بودن باید هر روز سطح دانش خود را ارتقاء دهد و همواره از کلاس‌های مختلف بهره‌برد. باید انگیزه بزرگی در سر داشت و پذیرفت که نقش تعیین‌کننده‌ای در تربیت بچه‌ها داریم. در زندگی من و امثال من هم معلمان بزرگی وجود داشتند که با کلمات خود ساختار زندگی ما را شکل دادند. معلمان نباید از فناوری اطلاعات نیز غافل شوند. IT ظرفیت‌های فوق‌العاده‌ای برای آموزش دارد و ارتباطات نوینی را میسر می‌سازد. من هم بر این اساس با راه‌اندازی سایت ورزش و فرهنگ ایران www.sportculture.ir سعی نمودم تا تجربیات خود را در دسترس علاقه‌مندان ورزش و فرهنگ قرار دهم.

● به عنوان آخرین سؤال با توجه به مسئولیت فعلی چه کمکی می‌توانید به ورزش دانش‌آموزی بکنید؟

○ فکر می‌کنم همین کتاب‌های المپیک و پارالمپیک می‌تواند مفید و مؤثر واقع شود. امیدوارم مربیان با توجه به این کتاب‌ها و براساس فرهنگ ملی خودمان بتوانند در جهت تقویت هویت ملی گام بردارند و ارزش‌های ملی ما را نظیر ورزش باستانی به دانش‌آموزان معرفی کنند.

استعداد و پیگیری کارها را داشتند. در واقع بچه‌ها را نزد مربیان بزرگ می‌بردند تا آنان را تعلیم دهند. در کشور ما هم تقریباً چنین نظامی وجود دارد. بچه‌ها براساس علاقه‌مندی سراغ رشته‌های ورزشی می‌روند و سپس فدراسیون‌های مختلف آن‌ها را شناسایی و جذب می‌کنند. کسانی که استعداد بیشتری دارند مورد حمایت ویژه قرار می‌گیرند.

● شما به عنوان یک مقام مسئول در حوزه المپیک و پارالمپیک چه کارهایی برای نسل کودک و نوجوان انجام داده‌اید؟ تا آن‌جا که ما اطلاع داریم در قالب یک سلسله کتاب قهرمانان کشور را به این نسل معرفی کرده‌اید. حتی روی پروژه زورخانه هم سرمایه‌گذاری کرده‌اید و یکی از بنیانگذاران اصلی فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای هستید. لطفاً در این باره بیشتر توضیح بفرمایید؟

○ المپیک یک نهضت تربیتی است که از ورزش به عنوان ابزار توسعه در آن استفاده می‌شود. وظیفه آکادمی ملی المپیک و پارالمپیک نیز این است که ورزش را به عنوان یک ابزار تربیتی معرفی کند و آموزش و پرورش مربیان را دنبال نماید. من در طول این سه دهه که در خدمت ورزش بوده‌ام توفیق داشتم در حد توانم در عرصه ورزش قدم‌هایی بردارم. در هر مسئولیتی که داشته‌ام سعی نمودم برای ورزش کشور مثمر باشم. وقتی مشاور فرهنگی توسعه صادرات ایران بودم یک مجتمع ورزشی برای آن‌راه‌اندازی کردم. در دورانی که مسئولیت دبیر کلی کمیته ملی المپیک را بر عهده داشتم ایران توانست مرغوب‌ترین مدال‌های ورزشی در تاریخ حضور ایران در المپیک‌ها در سیدنی ۲۰۰۰ بدست آورد. شاید از جهت تعداد در آتن و ملبورن مدال‌های بیشتری آوردیم اما از جهت مرغوبیت سیدنی بهتر بود. من این افتخار را داشتم که نقش کوچکی در پشتیبانی‌ها ایفا نمایم. در روزگاری که معاون فرهنگی آموزشی سازمان تربیت بدنی بودم طرح آموزش مستمر را دنبال کردیم و برای صد هزار مری کلاس برگزار شد. راه‌اندازی آکادمی ملی المپیک و احیا و فراملی کردن ورزش باستانی از دیگر افتخاراتم به حساب می‌آید. من از دوران دانشجویی این دغدغه را داشتم که برای ورزش کشور قدمی بردارم خوشبختانه با تشکیل فدراسیون بین‌المللی ورزش‌های زورخانه‌ای این آرزوی من محقق شد. همیشه دلم می‌خواست برای آن‌که جوانان مهارت‌های زندگی را بهتر یاد بگیرند الگوهایی را به آنان معرفی کنیم امروز با چاپ کتاب‌هایی در زمینه المپیک و پارالمپیک قدم‌هایی را در این حوزه برداشته‌ایم. همچنین در آکادمی ملی المپیک طرح آموزش المپیوم ویژه دانش‌آموزان را با حضور